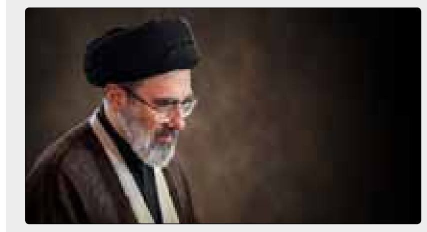
خبر

تسلیت رهبر انقلاب در پی درگذشت «منصور انوری» و «کورش زارعی»



حضرت آیت‌الله سـیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای در پیام‌های جداگانه، درگذشت نویسنده متعهد و انقلابی «منصور انوری» و هنرمنـد متعهد و انقلابی «کورش زارعی» را تسلیت گفتند.

به گزارش «پایگاه اطلاع‌رسـانی دفتر رهبر انقلاب اسلامی» متن پیام معظم‌له در پی درگذشت نویسنده متعهد و انقلابی «منصور انوری» به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت جناب آقای «منصور انوری» نویسنده متعهد و انقلابی موجب تاسف شد.

آن مرحوم با خلق آثار متعدد از جمله رمان ۱۲ جلدی «جاده جنگ» که مورد توجه و تحسـین امام مجاهد شهید قرار گرفت، دِین خود را به انقلاب اسلامی ادا کرد.

اینجانب ضمن عرض تسـلیت به خانواده ایشـان و جامعه ادبی کشور، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش، مغفرت و اجر الهی مسالت می‌کنم.

سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای
۲۰ آبان ۱۴۰۵

■ تسلیت رهبر انقلاب اسلامی در پی درگذشت هنرمند متعهد و انقلابی کورش زارعی

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای در پیام دیگری، درگذشـت هنرمند متعهد و انقلابی، «کورش زارعی» را تسلیت گفتند. متن پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

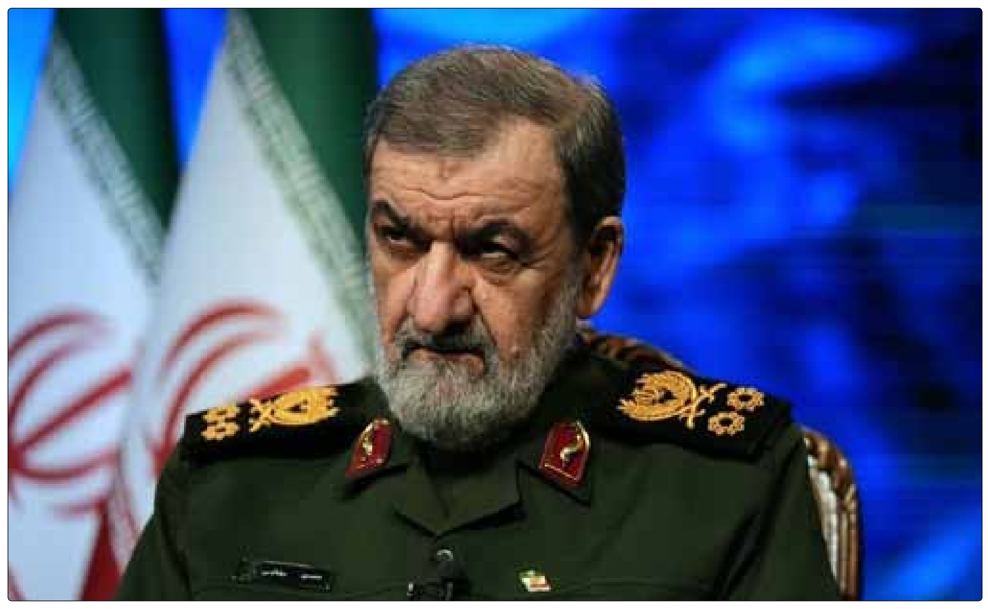
بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت جناب آقای «کورش زارعی» هنرمند متعهد و انقلابی کشور موجب تاسف شد. فعالیت‌های بی‌وقفه آن مرحوم در گسـترش هنرهای نمایشی در شهرها و مناطق کمتر برخوردار کشور و پایمردی او بر ارزش‌های انقلاب اسلامی تحسین‌برانگیز بود. اینجانب ضمن عرض تسلیت به خانواده ایشان و جامعه هنری کشور، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و مغفرت و اجر الهی مسالت می‌کنم.

سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای
۲۰ آبان ۱۴۰۵

دبیر شورای عالی امنیت ملی دکترین جدید دفاعی ایران را در صورت تجاوز مجدد آمریکا تشریح کرد

قواعد جدید میدان



گروه سیاسی: با گذشت زمان از درگیری‌های اخیر میان ایران و آمریکا و تغییرات ملموس در موازنه قدرت به نفع تهران، جغرافیای دفاعی کشور در حال بازتعریف خود است. آنچه پیش از این تحت عنوان پاسخ‌های متناسب و محدود به اهداف مشخص نظامی می‌شناختیم، اکنون جای خود را به دکترینی گسـترده‌تر می‌دهد که در آن، هر نقطه از زمین که به ابزاری برای حمله علیه امنیت ملی ایران تبدیل شود، بدون در نظر گرفتن فاصله جغرافیایی یا وابستگی سیاسی، وارد بانک اهداف خواهد شد. این گذار از محدودیت‌های منطقه‌ای به سوی تهدید پایگاه‌های دوردست، نشان‌دهنده پایان دوران «احتیاط در پاسخ» و آغاز عصر جدیدی از بازدارندگی است که در آن، هزینه حمله، فراتر از مرزهای جغرافیایی محاسبه می‌شود.

دبیر شورای عالی امنیت ملی خطاب به کشورهای میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا هشدار داد: به همه کشورهایی که پایگاه‌های نظامی آمریکا در آنها مسـتقر اسـت، اعلام می‌کنم در حمله نظامی آمریکا به ایران همراهی نکنند. از همین حالا اعلام می‌کنم اگر هواپیماهای آمریکایی از خاک هر کشوری برای حمله به ایران بلند شوند، آن پایگاه را تهدیدی علیه امنیت ملی خود تلقی خواهیم کرد. سردار سرلشکر محسن رضایی در گفت‌وگو با شبکه المیادین لبنان با تشریح ابعاد مختلف جنگ اخیر، مواضع جمهوری اسلامی ایران درباره مذاکرات، تحولات منطقه، امنیت غرب آسیا و همکاری‌های بین‌المللی اظهار کرد: رژیم نامشروع صهیونیستی و آمریکا طی ۳ سال اخیر جنگی گسترده را در منطقه آغاز کردند که از غزه و لبنان تا سوریه و ایران را در برگرفت اما مقاومت بی‌نظیر ملت ایران تمام محاسبات آمریکا و رژیم صهیونی را برهم زد.

■ شکست دشمن در ۴ جبهه

نماینده رهبر انقلاب اسلامی در شورای عالی امنیت ملی با تأکید بر اینکه ملت ایران توانایی‌های جدیدی از خود نشان داد و موجب شگفتی جهانیان شد، تصریح کرد: ما در این جنگ، در ۴ عرصه نظامی، دیپلماسی، سیاسی و اقتصادی، شکست سختی به دشمنان وارد کردیم و مجموعه‌ای از پیروزی‌های بزرگ را به ثبت رساندیم و آماده‌ایم این پیروزی‌ها را ادامه دهیم. نشان دادیم آمریکا و رژیم صهیونی اشتباه بزرگی مرتکب شدند که در تاریخ ثبت خواهد شـد. دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به روند دیپلماسی ایران در یک سال و نیم گذشته گفت: ما ۳ تجربه مهم دیپلماتیک با آمریکا داشتیم؛ یکی پیش از جنگ ۱۲ روزه، دیگری پیش از جنگ ۴۰ روزه و سـومین مورد در اسـلام‌آباد. در هر ۳ مرحله نشان دادیم ایران جنگ‌طلب نیست و این آمریکاست که مسیر جنگ را انتخاب می‌کند. سرلشکر رضایی ادامه داد: در مرحله نخست، آمریکایی‌ها مذاکرات را شکستند و وارد جنگ شدند. در مرحله دوم نیز در ژنو مذاکرات را رها کردند و حمله کردند. در اسلام‌آباد هم با آنکه توافقی حاصل شد و ۲ طرف آن را امضا کردند، آمریکایی‌ها به امضای خود پایبند نماندند. این رفتار در تاریخ دیپلماسی بسیار کم‌سابقه است که یک رئیس‌جمهور تفاهمی را امضا کند و بعد زیر آن بزند. وی افزود: ما همچنان در دیپلماسی جدی هستیم اما دیپلماسی ما بر اساس بازدارندگی و تأمین حقوق ملت ایران پیش می‌رود. ۷ شرط را برای طرف آمریکایی اعلام کرده‌ایم و پاسخ‌هایی که تاکنون دریافت کرده‌ایم، همراه با فریب و ابهامات فراوان بوده است. آمریکایی‌ها باید پاسخ صریح و روشن خود را اعلام کنند.

■ هیچ مذاکره‌ای با آمریکا در جریان نیست

نماینده رهبر انقلاب اسـلامی در شـورای عالی امنیت ملی با رد اخبار منتشرشده درباره مذاکرات جاری میان ایران و آمریکا اظهار کرد: در حال حاضر هیچ مذاکره‌ای میان جمهوری اسـلامی ایران و آمریکا وجود ندارد. ما شـروط هفتگانه خود را اعلام کرده‌ایم و منتظر پاسـخ آمریکایی‌ها هستیم.

وی افـزود: آمریکایی‌ها برای کاهش فشـار اقتصادی و پایین آوردن قیمـت نفت، مرتبا اخباری درباره مذاکرات منتشـر می‌کنند و مدعی برگزاری نشست‌هایی در قطر یا برنامه‌ریزی برای دیدار مقامات ۲ کشور هستند. تمام این اخبار کذب است. دبیر شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: واسطه‌هایی از جمله پاکستان و قطر فعال بوده‌اند و برخی کشورهای دیگر نیز پیام‌هایی را از طرف اطرافیان رئیس‌جمهور آمریکا منتقل کرده‌اند اما هیچ‌یک از این پیام‌ها تاکنون متناسب با شروط اعلام‌شده ایران نبوده است. سرلشکر رضایی تأکید کرد: پاسخ آمریکا برای ما کفایت نکرده است. تا زمانی که شروط هفتگانه ایران اجرا نشود، تنگه هرمز باز نخواهد شد.

■ مواد غنی‌شده به خارج منتقل نمی‌شود

وی در تشـریح مواضع جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای گفت: موضوع هسته‌ای در حال حاضر محور اصلی بحث ما نیست اما در این زمینه نیز مواضع روشـنی داریم. وی با تأکید بر اینکه هیچ بخشی از مواد غنی‌شـده ایران به خارج از کشور منتقل نخواهد شد، افزود: این موضوع را به دوسـتان روس خود نیز اعلام کردیم. تمام مواد غنی‌شده در داخـل ایـران باقی می‌ماند و خودمان از آنها اسـتفاده خواهیم کرد. سرلشـکر رضایی با اشاره به ظرفیت‌های فناوری هسته‌ای کشور افزود: ما حتی از هم‌اکنون در حال طراحی کشتی‌ها و زیردریایی‌هایی هستیم که با انرژی هسته‌ای کار کنند. همچنین ممکن است در آینده به سمت تولید نیروگاه‌های کوچک هسته‌ای (SMR) حرکت کنیم. از این رو، این مواد برای نیازهای خودمان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وی با اشاره به حقوق ایران در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) اظهار کرد: تا زمانی که عضو این معاهده هستیم، باید از تمام حقوق خود بهره‌مند شویم و بعد به تعهدات‌مان عمل کنیم. تجربه گذشته نشان داد ایران به تعهدات خود عمل کرد اما از حقوقش بهره‌مند نشد. به همین دلیل، الگوی دیپلماسی خود را تغییر داده‌ایم. وی با تأکید بر ضرورت پایان جنگ در تمام جبهه‌های منطقه به‌ویژه لبنان گفت: یکی از شروط اصلی ما پایان جنگ در همه جبهه‌های غرب آسیاست. این موضوع صرفا به ایران مربوط نمی‌شود، بلکه به نفع تمام کشورهای منطقه است و می‌تواند زمینه امنیت، توسعه و پیشرفت را فراهم کند. نماینده رهبر انقلاب اسلامی در شورای عالی امنیت ملی با هشدار نسبت به هرگونه اقدام نظامی جدید علیه ایران تصریح کرد: اگر آمریکایی‌ها غلطی بکنند، پاسـخ ایران محدود به پایگاه‌هـای نزدیک آمریکا نخواهد بود. علاوه بر پایگاه‌هایی که تاکنون هدف قرار گرفته‌اند، پایگاه‌های دوردست آمریکا نیز در تیررس قرار خواهند گرفت. وی ادامه داد: حتی ممکن است برخی جزایری که آمریکایی‌ها تصور می‌کنند موشک‌های ایران به آنها نمی‌رسد، همچنین برخی پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای اروپایی که از آنها هواپیما برای حمله به ایران برخیزد، هدف قرار گیرند. سرلشکر رضایی تأکید کرد: هر پایگاهی که از آن هواپیمای آمریکایی برای بمباران ایران به پرواز درآید، از نظر ما یک تهدید محسوب می‌شود و ایران حق دارد از خود دفاع کند. این حق در چارچوب حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد نیز قابل استناد است.

■ هشدار به کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکا

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به تغییر رویکرد دفاعی ایران در جنگ‌های اخیر گفت: در جنگ ۱۲ روزه، ایران صرفا به رژیم صهیونیستی حمله کرد و به پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه حمله نکرد اما در جنگ ۴۰ روزه با توجه به تحولات رخ‌داده و جنایت شهادت رهبر انقلاب و کودکان‌مان، این محدودیت برداشته شد. وی افزود: اگر بار دیگر حمله‌ای علیه ایران رخ دهد، محدودیت‌های بیشتری را کنار خواهیم گذاشت و علاوه بر اهدافی که پیش‌تر مورد حمله قرار گرفته‌اند، سـایر پایگاه‌های نظامی دشمن را نیز هدف قرار خواهیم داد. سرلشکر رضایی خطاب به کشورهای میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا هشدار داد: به همه کشورهایی که پایگاه‌های نظامی آمریکا در آنها مستقر است، اعلام می‌کنیم در حمله نظامی آمریکا به ایران همراهی نکنند. از همین حالا اعلام می‌کنیم اگر هواپیماهای آمریکایی از خاک هر کشوری برای حمله به ایران بلند شوند، آن پایگاه را تهدیدی علیه امنیت ملی خود تلقی خواهیم کرد.

■ تأکید بر همکاری بین کشورهای خلیج فارس

دبیر شورای عالی امنیت ملی با تأکید بر ضرورت همکاری کشورهای منطقه برای تأمین امنیت پایدار گفت: کشورهای غرب آسیا مانند ظروف مرتبط به یکدیگر هستند و ناامنی در هر کشور به‌سرعت به کشورهای دیگر سرایت می‌کند. اقتصاد و امنیت این کشورها نیز به یکدیگر وابسته است و اینکه تاکید داریم جنگ باید در تمام منطقه و از جمله لبنان پایان یابد، جهت استقرار امنیت در همه کشورها و ایجاد زمینه پیشرفت است.

وی با اشـاره به ضرورت همکاری میان کشـورهای منطقه افزود: ما معتقدیم امنیت منطقه باید به دسـت کشورهای منطقه تأمین شود و قدرت‌های خارجی نباید عامل تعیین‌کننده در ترتیبات امنیتی باشند.

سرلشکر رضایی از آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل اتحادیه کشورهای حاشیه خلیج فارس خبر داد و گفت: ایران، عراق، کویت، بحرین، قطر، عربستان، امارات و عمان ۸ کشور پیرامون خلیج فارس هستند و ما مصمم هستیم اتحادیه‌ای میان این کشورها ایجاد کنیم تا در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و سایر حوزه‌ها همکاری گسترده‌ای داشته باشند.

وی با اشـاره به رفتار نیروهای مسـلح ایـران در جریان حملات به پایگاه‌های آمریکا در منطقه اظهار کرد: ما در این حملات صرفا پایگاه‌های نظامی آمریکا را هدف قرار دادیم و هیچ شـهروندی از کشورهای عرب آسیب ندید و این در حالی است که در هر جنگی ممکن است شهروندان آسیب ببینند اما ما با دقت بالا تلاش کردیم آسیبی به مردم کشورهای همسایه وارد نشود. نماینده رهبر انقلاب اسلامی در شورای عالی امنیت ملی تأکید کرد: آغوش جمهوری اسلامی ایران برای همکاری با کشورهای برادر و همسایگان باز است و آماده‌ایم در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و سایر حوزه‌ها همکاری‌های گسترده‌ای داشته باشیم.

■ حمایت روسیه و چین از ترتیبات امنیتی منطقه‌ای

سرلشکر رضایی در تشریح سفر اخیر خود به روسیه و دیدار ولادیمیر پوتین خاطرنشان کرد: این سفر، سفر مهم و مثبتی بود. پیام رهبر معظم انقلاب را به رئیس‌جمهور روسیه منتقل کردم و وی استقبال ویژه‌ای از این پیام داشت و ۲ بار نیز سلام خود را به ایشان ابلاغ کرد.

وی افزود: محتوای پیام در ادامه همکاری‌های گذشته ایران و روسیه و تأکید بر تداوم این همکاری‌ها بود. همچنین درباره موضوعات مهم اقتصادی و راهبردی، از جمله کریدور شمال - جنوب و انتقال گاز روسیه به ایران گفت‌وگو کردیم. دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به ظرفیت انتقال گاز روسیه به ایران اظهار کرد: با توجه به محدودیت صادرات گاز روسیه به اروپا، موضوع انتقال گاز این کشور به ایران، تأمین نیازهای داخلی، همچنین فروش گاز به کشورهای همسایه مورد بحث قرار گرفت.

وی همچنین از گفت‌وگو درباره ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای خبر داد و گفت: در تهران نشستی با حضور مقامات ایران و ۳ کشور ترکیه، پاکستان و عربستان برگزار شد. این موضوع را با آقای پوتین مطرح کردیم و ایشان از همکاری کشورهای منطقه برای تأمین امنیت خود حمایت کرد. چین نیز پیش از این در سفر معاون بنده به این کشور از این رویکرد حمایت کرده بود.

تغییر محاسبات امنیتی ریاض و فرسایش اعتماد کشورهای خلیج فارس به آمریکا پس از جنگ اخیر و انتخابات کنگره

چتر سوراخ واشنگتن

ایلیا داوودی

۱۷ آبان در حالی که دونالد ترامپ هنوز میان از سرگیری حملات گسترده علیه ایران و ادامه فشار اقتصادی سرگردان بود، آژیرهای خطر برای چندمین‌بار سکوت پایتخت عربستان را شکست. موشک‌های شلیک‌شده از سوی ارتش یمن، پدافند هوایـی ریاض را به تکاپـو انداخت و ترکش‌های ناشـی از رهگیری، شیشه‌های چند طبقه ساختمان اداری غول نفتی آرامکو را در منطقه مالی پایتخت فروریخت. وزارت انرژی عربسـتان اعلام کرد خسارات محدود بوده و کسـی آسیب ندیده اسـت. هنوز گردوغبار این حادثه فرونشسته بود که ۱۸ آبان، خبر حمله به خط لوله راهبردی شرق - غرب سـعودی منتشر شد؛ شریانی ۱۲۰۰ کیلومتری که نفت آن کشور را بدون عبور از تنگه هرمز به دریای سرخ می‌رساند. آتش‌سوزی محدود مهار شد و جریان نفت نیز متوقف نشد اما این واقعیت تلخ دوباره پیش چشم حاکمان سعودی قرار گرفت: میلیاردها دلار تسلیحات آمریکایی، تضمینی برای امنیت آسمان و تأسیسات عربستان نیست. درست در همین روزها، زلزله‌ای سیاسی در واشنگتن، ستون دیگر محاسبات امنیتی ریاض را به لرزه انداخت؛ شکست سهمگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میـان‌دوره‌ای و پیروزی دموکرات‌ها و تصاحب هر دو مجلس کنگره، ترامپ را زیر فشار سنگین پایان دادن به جنگ علیه ایران قرار داده و اکنون پرسش هراس‌آور برای سعودی‌ها این است که اگر واشنگتن برای نجات موقعیت داخلی خود از میدان جنگ عقب بنشیند، چه کسی هزینه امنیت عربستان را خواهد پرداخت؟

■ واشنگتن، متحد روزهای بی‌خطر!

مرکز مطالعات امنیتی سـوفان در گـزارش ۱۸ آبان خود با لحن هشدارآمیز، از تغییر محاسبات مقامات رژیم سعودی پرده برداشت. بنا بر ارزیابی این مرکز، ریاض نگران است شکست انتخاباتی ترامپ، بی‌میلی واشنگتن برای ورود مستقیم به جنگ علیه انصارالله یمن را تشدید کند؛ نگرانی‌ای که ریشه در تجربه‌ای نه‌چندان دور دارد. شهریور و مهر امسال، محمد بن‌سـلمان در مواجهه با پیشروی نیروهای انصارالله، خواستار مداخله مستقیم نظامی آمریکا شد اما کاخ سفید درخواست او را رد و به همکاری اطلاعاتی و کمک به شناسایی اهداف بسنده کرد. گزارش شبکه سـی‌ان‌ان در آن زمان نشان داد بیش از ۱۰۰ مستشار نظامی آمریکایی در عربستان مستقرند و در انتقال اطلاعات و تعیین اهداف به نظامیان و مزدوران سعودی کمک می‌کنند. با این حال، واشنگتن خط قرمزی روشـن ترسیم کرده بود؛ خبری از مشارکت مستقیم در حملات، سوخت‌رسانی به جنگنده‌های سعودی یا پشتیبانی عملیاتی گسترده نیست. این همان شکاف عمیقی است که امروز در بنیاد اتحاد امنیتی ریاض و واشنگتن دهان باز کرده است. عربستان شاید بتواند پیشرفته‌ترین جنگنده‌ها و سامانه‌های رهگیری جهان را بخرد اما قادر نیست اراده سیاسی آمریکا برای جنگیدن را خریداری کند. ارتشی که تجهیزاتش آمریکایی اسـت، لزوما از حمایت نظامی آمریکا برخوردار نخواهد بود؛ به‌ویژه زمانی که هزینه دفاع از ریاض، به بحرانی انتخاباتی در واشنگتن تبدیل شود.

■ امنیت عربی در گرو رأی آمریکایی

«فردریک کمپ» رئیس شورای آتلانتیک ۱۸ آبان از گفت‌وگوهای خود با مقامات منطقه در دوبی گزارشی منتشر کرد که تصویری گویا از این بی‌اعتمادی ارائه کرد. یکی از مقامات امارات، پیروزی مخالفان ترامپ را نشانه توانایی نظام سیاسی آمریکا برای اصلاح مسیر دانست اما همزمان از چرخش‌های شدید سیاست خارجی این کشور ابراز نگرانی کرد. تناقض جالب توجه آن اسـت که آنچه در واشـنگتن نشانه پویایی دموکراسی معرفی می‌شود، در پایتخت‌های عربی می‌تواند به معنای بی‌ثباتی تعهدات امنیتی باشد. کمپ تأکید کرد متحدان آمریکا دیگر اطمینان سابق را به تداوم سیاسـت‌های آن کشور ندارند. حتی برخی مقامات منطقه از پیش‌بینی‌پذیری بیشتر سیاست چین سخن گفته‌اند؛ اگرچه همچنان اتحاد با واشنگتن را رها نکرده‌اند. دهه‌ها دولت‌های عرب امنیت خود را به قدرت نظامی آمریکا گره زده بودند اما اکنون دریافته‌اند این قدرت ممکن است امروز به گسترش جنگ فرمان دهد، فردا پشت میز مذاکره بنشیند و پس‌فردا زیر فشـار افکار عمومی، میدان را ترک کند. بدتر از همه آن است که حالا عربستان ناچار شده در کنار محاسبه موشک‌ها و پهپادهای منطقه، تغییر آرایش کرسی‌های کنگره آمریکا را نیز وارد معادلات دفاعی خود کند! و این، معنای واقعی فرسایش استقلال امنیتی است.

■ رآکتورهای معلق در آسمان واشنگتن

ترکش‌های شکست انتخاباتی ترامپ تنها به میدان یمن محدود نمانده و اکنون یکی از بلندپروازانه‌ترین برنامه‌های فناورانه عربستان را نیز تهدید می‌کند. ۳۱ تیر امسال، وزیران انرژی آمریکا و عربستان توافق همکاری بلندمدت هسته‌ای غیرنظامی امضا کردند؛ توافقی مبتنی بر ماده ۱۲۳ قانون انرژی اتمی آمریکا که قرار بود مسیر ورود شرکت‌های آمریکایی به صنعت هسته‌ای سعودی را هموار کند اما ۲۳ مهر ۲ سناتور آمریکا، جـف مرکلی و اد مارکی، قطعنامه‌ای برای مخالفت با آن ارائه کردند. کانون اختلاف، نبود ممنوعیت الزام‌آور غنی‌سـازی اورانیوم در خاک عربستان است؛ شرطی که واشنگتن پیش‌تر در توافق هسته‌ای خود با امارات پذیرفته بود. تغییر ترکیب کنگره می‌تواند آینده این توافق را پیچیده‌تر هم بکند. ریاض می‌خواهد به قدرتی صنعتی و فناور تبدیل شود ولی اجرای یکی از مهم‌ترین برنامه‌های بلندمدتش به کشمکش سیاستمدارانی وابسته شده که هزاران کیلومتر آن‌سوتر، برای پیروزی در انتخابات می‌جنگند. این وابستگی، وجه پنهان همان چتر امنیتی پرهزینه‌ای است که واشنگتن دهه‌ها به متحدان عرب خود فروخته است.

■ رؤیای ۲۰۳۰ در آتش ۲۰۲۶ دود شد و هوا رفت

در پس این اضطراب امنیتی، واقعیتی اقتصادی نهفته اسـت که آثار آن با هیچ سـامانه پدافندی مهار نمی‌شـود؛ مؤسسه آلیانتس در گزارش تکان‌دهنده ۱۸ آبان خود، برآورد کرد اقتصاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال جاری میلادی ۴ درصد کوچک خواهد شـد؛ پیش‌بینی‌ای که نسبت به برآوردهای پیشین، ۸,۲ درصد تنزل یافته است. این مؤسسه مجموع تولید ازدست‌رفته اقتصادهای منطقه در فاصله سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰ را نسبت به مسیر پیش از جنگ، ۷۹۰ میلیارد دلار و هزینه بازسازی را ۲۰۰ میلیارد دلار تخمین می‌زند. در این میان، زنگ خطر برای ریاض بلندتر به صدا درآمده است، زیرا ورود سرمایه به سبد دارایی‌های مالی عربستان از اسفند ۱۴۰۴ تا شهریور امسال، نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۴۸ درصد سقوط کرده است. این ارقام تصویری روشن از هزینه اقتصادی ناامنی ارائه می‌کند. عربستان که با چشم‌انداز ۲۰۳۰ رؤیای کاهش وابستگی به نفت، توسعه صنعت، گردشگری و فناوری و جذب سرمایه خارجی را در سر می‌پروراند، اکنون با تناقضی ویرانگر مواجه شده؛ سرمایه‌گذاری که قرار است میلیاردها دلار برای ساخت کارخانه، هتل یا مرکز فناوری هزینه کند، پیش از هر چیز می‌خواهد بداند فرودگاه‌ها، تأسیسات انرژی و مسیرهای تجارت آن کشور تا چه اندازه امن خواهد ماند. حالا جنگ منابعی را که باید صرف توسعه کشورهای عرب می‌شد، کاملا بلعیده، بی‌آنکه برای‌شان آورده‌ای داشته باشد.

■ امنیت خلیج فارس از ایران می‌گذرد

در میانـه این آشـفتگی، حقیقتی وجـود دارد که هیچ انتخاباتی در واشـنگتن قادر به تغییر آن نیسـت؛ ایران همسایه دائم عربستان اسـت. رؤسای‌جمهور آمریکا می‌آیند و می‌روند، کنگره میان ۲ حزب دست‌به‌دست می‌شود و اولویت‌های کاخ سفید تغییر می‌کند اما ایران همچنان در قلب جغرافیای امنیتی خلیج فارس باقی می‌ماند. جنگ اخیر نیز با وجود تحمیل خسارات به ایران، نتوانسته نقش تهران را از معادلات منطقه حذف کند یا واشنگتن را به ترتیبات پایدار برای پایان جنگ و بازگشت تجارت عادی برساند. مؤسسه چتم هاوس لندن در تحلیل منتشره خود در ۱۸ آبان، بن‌بست موجود را به‌روشنی توضیح داد. واشنگتن خواهان دریافت امتیازات هسته‌ای پیش از رفع محدودیت‌های دریایی اسـت؛ در مقابل، تهران پایان محاصره و تحقق شروط خود را پیش‌نیاز بازگشایی کامل هرمز می‌داند. تحلیلگر این مؤسسه هشدار داد تداوم فشار اقتصادی لزوما ایران را به پذیرش مطالبات آمریکا وادار نخواهد کرد. معنای راهبردی این وضعیت برای ریاض آن است که اگر قدرت گسترده نظامی و اقتصادی آمریکا نتوانسته ایران را به پذیرش یک‌طرفه شروط خود وادار کند، همسایگان ایران نیز نمی‌توانند امنیت آینده خود را بر فرض نادیده‌گیری تهران بنا کنند.

این محاسبه البته تنها به عربسـتان محدود نمی‌شود. از امارات و قطر گرفته تا کویت، بحرین، عمان و دیگر کشورهای منطقه، همگی باید این واقعیت را بپذیرند که امنیت و آینده اقتصادی آنها با موقعیت جمهوری اسلامی ایران پیوند ناگسستنی دارد. واشنگتن ممکن است هزاران کیلومتر دورتر، با تغییر یک دولت یا جابه‌جایی چند کرسی در کنگره، تعهدات خود را بازتعریف کند اما ایران را نمی‌توان از جغرافیای غرب آسیا کنار گذاشت. مسیرهای تجارت، شریان‌های انرژی و امنیت آبراه‌های منطقه، سرنوشت کشورهای همسایه را به یکدیگر گره زده است. از این منظر، برای دولت‌های عرب منطقی‌تر است آینده امنیتی و اقتصـادی خـود را بر پایه تفاهم و همـکاری با قدرتی بنا کنند که حضورش در منطقه دائمی است، تا سلطه‌جویی که حضور و تعهداتش تابع محاسبات متغیر سیاسی در آن سوی اقیانوس‌هاست. امنیت پایدار خلیج فارس بدون مشـارکت جمهوری اسـلامی ایران دست‌یافتنی نخواهد بود. تجربه جنگ اخیر نشان داد تلاش برای تأمین امنیت در برابر ایران می‌تواند خود به یکی از عوامل اصلی ناامنی تبدیل شود. در مقابل، تبدیل ظرفیت بازدارندگی ایران به پشتوانه‌ای برای همکاری‌های اقتصادی، امنیت کشتیرانی و ثبات بازار انرژی می‌تواند منافع مشترک و پایدارتری برای تمام همسایگان ایجاد کند.

■ چرخش آرام عربستان از واشنگتن به موازنه با تهران

ترامپ پس از دیدار اخیر خود با نخست‌وزیر قطر اعلام کرد دوحه و ریاض خواهان راه‌حلی مسالمت‌آمیز برای جنگ با ایران هستند. این موضع، نشانه مهمی از تغییر محاسبات دولت‌هایی است که ادامه بحران را با منافع اقتصادی و امنیتی خود سازگار نمی‌بینند. البته عربستان هنوز پیوندهای عمیق نظامی، مالی و فناورانه با آمریکا دارد و نشانه‌ای از تصمیم آن برای ترک این اتحاد دیده نمی‌شود. مساله، تغییر تدریجی محاسـبات است که ریاض می‌کوشد ضمن حفظ روابط با واشنگتن، احتمال رویارویی مستقیم با تهران را کاهش دهد. تجربه ماه‌های گذشته، افسانه امنیت وارداتی را به چالش کشید. پایگاه‌های خارجی، قراردادهای چندده میلیارد دلاری و انبارهای تسلیحات پیشرفته، به‌تنهایی امنیت پایـدار نمی‌آفریننـد. آمریکا توان حمایت از متحدان خـود را دارد اما تصمیم و اراده‌اش را هرگز. تصمیم برای استفاده از این توان، تابع منافع و محدودیت‌های داخلی واشنگتن خواهد ماند. حاکمان سعودی باید از خود بپرسند آمریکا حاضر است قدرت خود را هر زمان که ریاض نیاز داشت، برای دفاع از عربستان به میدان بیاورد؟ چتر آمریکایی همچنان بر فراز ریاض گسترده است اما حاکمان سعودی دریافته‌اند باز و بسته شدن آن در اختیار خودشان نیست. باد سیاست داخلی واشنگتن هر روز این چتر را به سویی می‌کشاند، در حالی که ابرهای بحران‌زای آمریکایی بر فراز خلیج فارس همچنان باقی‌اند. عربستان شاید بتواند با دلارهای نفتی، پیشرفته‌ترین چترهای نظامی جهان را خریداری کند اما نمی‌تواند جغرافیا را تغییر دهد. باران حوادث منطقه، واقعیتی است که ریاض دیر یا زود باید راه مواجهه مستقیم با آن را بیاموزد.

سلاح اتمی و مخالفانش

نگاه

ادامه از صفحه اول

آیا کسـی در دنیای امروز شک دارد که اگر یک حمله هسته‌ای به خاک ایران شود، تنها پاسخ متناسب و بازدارنده، پاسخ هسته‌ای خواهد بود؟

شـاید تکان‌دهنده‌ترین تایید بر این نظریه، نه از زبان تحلیلگران ایرانی، بلکه از زبان رئیس‌جمهور تروریست ایالات متحده باشد. ترامپ چندین‌بار به صراحت گفته است: «اگر ایران بمب اتم داشت، مجبور بودم با احترام به آنها بگویم آقا!» این جمله، از زبان فردی که بر اساس منطق زور و قدرت فکر می‌کند، یک اعتراف اسـتراتژیک است. وی می‌داند در معادلات قدرت، «احترام» محصول «ترس» است و تنها چیزی که می‌تواند زبان تکبر ابرقدرت‌ها را ببندد، ایجاد یک «هزینه غیرقابل تحمل» است. باید به این باور غلط پاسخ داد که «ایران فاقد قابلیت حمله دوم است، لذا بازدارندگی ندارد». این نگاه، قدرت ایران را نادیده می‌گیرد. بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی نیازمند هزاران کلاهک نیست، بلکه نیازمند این اطمینان است که هرگونه تلاش برای نابودی ایران، به معنای پایان تاریخ طرف مقابل خواهد بود. در عصر حاضر، داشتن توانایی هسته‌ای به معنای تمایل به جنگ نیست، بلکه به معنای خروج از لیست «اهداف آسان» است. کسانی که می‌گویند بازدارندگی هسته‌ای برای ایران کار نمی‌کند، در واقع دارند به دشمن می‌گویند «ما هر تهدیدی را می‌پذیریم اما هرگز ابزاری برای متوقف کردن شما نخواهیم داشت» و این، در دکترین امنیتی، تعریف دقیق «تسلیم» است، نه «دیپلماسی».

■ خطای سنجش

وقتی حسین علایی می‌پرسد ایران در برابر چه کسی می‌خواهد با سلاح هسته‌ای بازدارندگی ایجاد کند و آیا طرف مقابل از ایران نیرومندتر نیست؟ پرسشی جدی را طرح می‌کند اما پاسخ به آن نمی‌تواند با مقایسه ساده تعداد کلاهک‌ها یا اندازه زرادخانه‌ها تمام شود. بازدارندگی وعده مصونیت نیست. مفهومی نسبی است: آیا سلاح، محاسبه طرف مقابل را تغییر می‌دهد؟ آیا احتمال یا دامنه بعضی گزینه‌های نظامی را کم می‌کند؟ آیا تصمیم‌گیران را وادار می‌کند پیش از عبور از آسـتانه‌ای خطرناک، هزینه‌های آن را دوباره بسنجند؟

از این منظر، اینکه سـلاح هسته‌ای روسیه مانع حمله اوکراین به اهداف روسی نشده، به‌تنهایی چیزی را درباره بی‌اثر بودن بازدارندگی ثابت نمی‌کند. پرسش کامل‌تر این است: آیا وجود زرادخانه هسته‌ای روسیه بر دامنه مداخله مستقیم قدرت‌های دیگر، بر خطرپذیری آنها و بر احتیاط در گسترش جنگ اثر گذاشته است؟ بازدارندگی ممکن است در یک سطح شکست بخورد و در سطحی دیگر عمل کند. جنگ رخ می‌دهد اما همه شـکل‌های جنگ، همـه طرف‌ها و همه درجات مداخله یکسان نیستند.

در واقع، دفاع از بازدارندگی هسته‌ای لازم نیست بر ادعای بزرگ‌تری تکیه کند که این سلاح جلوی هر جنگی را می‌گیرد. ادعای محدودتر و قابل دفاع‌تر این است: این سلاح احتمال برخی حملات بسیار پرهزینه، از جمله حمله اتمی یا جنگی با هدف نابودی تمدن را کاهش می‌دهد، زیرا خطر پاسخ و گسترش بحران را به محاسبه مهاجم اضافه می‌کند.

در اینجا بحث از یک سوءتفاهم رایج رنج می‌برد: گویی ارزش سلاح هسته‌ای فقط وقتی ثابت می‌شود که هیچ جنگی رخ ندهد! بازدارندگی قرار نیست همه جنگ‌ها را حذف کند، ممکن است در محدود کردن نوع جنگ، شدت آن یا عبور از آستانه‌های معین اثر بگذارد. همین تمایز است که مقایسه «روسیه سلاح هسته‌ای دارد و اوکراین به آن حمله می‌کند» را از پاسخ نهایی به بحث، به نقطه شروع آن تبدیل می‌کند.

■ وقتی اتم، لبه پرتگاه را تعیین می‌کند

برای درک بهتر این پدیده، نباید چشم به دوردست‌ها دوخت، بلکه کافی است نگاهی به جنوب آسیا بیندازیم؛ جایی که توازن میان هند و پاکستان، کلاس درس زنده‌ای از «بازدارندگی نسبی» است. در تقابل میان هند، غول نوظهور با جمعیت میلیاردی و ارتش کلاسیک عظیم و پاکستان، کشوری با وزن متفاوت، جنگ‌های مرزی و درگیری‌های نظامی همواره رخ داده است اما یک پرسش بنیادین باقی می‌ماند: اگر پاکسـتان فاقد زرادخانه هسته‌ای بود، آیا هند با تمام قدرت نظامی و اقتصادی‌اش با همان خویشتن‌داری و در همان سطح محدود از درگیری، با همسایه‌اش رفتار می‌کرد؟

پاسخ به این پرسش، پاسخ به ماهیت جنگ است. در غیاب بازدارندگی هسته‌ای، جنگ‌ها معمولا از یک تنش مرزی شروع شده و به‌سرعت به سمت «جنگ تمام‌عیار» برای تسخیر یا تغییر نظم سیاسی کشور می‌روند اما در تقابل هند و پاکستان، اتم نقش یک «ترمز اضطراری» را ایفا می‌کند. اتم باعث نمی‌شود تنش‌ها از بین برود اما باعث می‌شود ۲ طرف بدانند «عبور از خط قرمز، به معنای نابودی متقابل است».

در واقع، سلاح هسته‌ای در اینجا نقش «کنترل‌کننده سطح درگیری» را ایفا می‌کند. بمب اتم در این تقابل، مانع آن می‌شود که یک درگیری کوچک در کشمیر، به یک جنگ گسترده که می‌تواند زیرساخت‌های ۲ کشور را در هم بکوبد، تبدیل شود. اتم به طرفین می‌آموزد درگیر شدن در «جنگ‌های وجودی» بسیار گران‌تر از هرگونه پیروزی نظامی است.

این همان نکته‌ای اسـت که منتقدان برنامه هسـته‌ای ایران از آن غافلند: آنهـا میان «جنگ» و «پاکت خطرنـاک جنگ» تمایز قائل نمی‌شوند. بازدارندگی هسته‌ای، قرار نیست صلح ابدی ایجاد کند، بلکه قرار است «هزینه پیروزی» را چنان بالا ببرد که هیچ طرفی جرأت نکند به دنبال پیروزی مطلق از طریق نابودی رقیب باشد. پاکستان با وجود تمام ضعف‌های اقتصادی و نظامی‌اش، در معادلات هند، یک «بازیگر غیرقابل پیش‌بینی» است و این دقیقا همان چیزی است که بازدارندگی هسته‌ای می‌سازد: عدم اطمینان مقتدرانه.